



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 29. No 3. Autumn 2022

Received date: 2022.12.24

Acceptance date: 2023.02.25



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1401.29.3.5.5

Consequences of the interactions of the Muslim Brotherhood with the deep state of Egypt (2011-2014)

Mohammad Sadegh Koushki,^۱ Ahmad Borvayeh^۲



Abstract

The Muslim Brotherhood is one of the oldest Islamist groups in the political arena of Egypt, the Arab world, which has influenced and being influenced by the social and political trends of Egypt during its lifetime. With the overthrow of Hosni Mubarak in 2011 due to the popular uprising of January 25, this group gained a very important opportunity to enter the field of political competition by giving a legal aspect to its activities, without fear of being targeted, and succeeded to obtain the majority of Egyptian parliament and the position of the president of Egypt. Nevertheless, the remaining of the deep state in power and the inability of the Muslim Brotherhood to adopt a suitable strategy with the revolutionary socio-political environment of Egypt caused this group to adopt a strategy of passive interaction with the deep state and set the stage for the downfall of its administration within a year and the occurrence of some other social and political consequences. In this research, an attempt is made to answer the question, what are the consequences of these interactions at the level of the Brotherhood as well as the Egyptian society? it can be said that the interaction of the Muslim Brotherhood with the deep state led to the emergence of various divisions within the Muslim Brotherhood, especially the activation of the generational fault, the reduction of the social capital of this group among the Egyptian people, and the increase of mistrust among the group and other political factions there.

Keywords: Muslim Brotherhood, Deep State, Army, 25 January, Egypt.

^۱ Assistant Professor Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran: m.s.koushki@ut.ac.ir

^۲ Ph.D. Candidate Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran: aborwayeh@yahoo.com



مرکز پژوهش های علمی و
مطالعات استراتژیک خاور میانه

فصلنامه علمی مطالعات خاور میانه

سال ۲۹، شماره ۳، پیاپی (۱۰۹)، پاییز ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۱,۲۹,۳,۵,۵

نوع مقاله: پژوهشی

پیامدهای تعاملات گروه اخوان المسلمین با دولت پنهان مصر (۲۰۱۱-۲۰۱۴)

محمد صادق کوشکی^۱؛ احمد بروایه^۲



چکیده

جماعت اخوان المسلمین یکی از قدیمی ترین گروه های اسلام گرا در عرصه سیاسی مصر، جهان عرب و حتی جهان اسلام محسوب می گردد که طی حیات خود بر روندهای سیاسی-اجتماعی مصر تأثیر گذار بوده و از آن ها تأثیر می پذیرفته است. با سرنگونی حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱ به دلیل خیزش مردمی ۲۵ ژانویه، این گروه فرصت بسیاری مهمی را به دست آورد تا با اعطای جنبه قانونی به فعالیت های خود، بدون ترس از مورد هدف قرار گرفتن وارد عرصه رقابت های سیاسی شود و اکثریت پارلمان و همچنین منصب ریاست جمهوری مصر را به دست آورد. با این وجود، باقی ماندن دولت پنهان بر رأس قدرت و ناتوانی جماعت اخوان المسلمین در اتخاذ راهبردی مناسب با فضای سیاسی اجتماعی انقلابی مصر سبب شد که این گروه با اتخاذ راهبرد تعامل منفعلانه با دولت پنهان، زمینه را برای سقوط حاکمیت خود در سال ۲۰۱۳ و بروز برخی تبعات سیاسی و اجتماعی دیگر هموار سازد. در این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و در قالب روش کیفی تلاش می شود به این سؤال پاسخ داده شود که این تعاملات چه پیامدهایی در سطح جماعت اخوان و همچنین جامعه مصر داشته است؟ بر این اساس می توان گفت که تعاملات جماعت اخوان المسلمین با دولت پنهان منجر به بروز گسست های مختلف در درون جماعت اخوان المسلمین به خصوص فعال شدن گسل نسلی، کاهش سرمایه اجتماعی این گروه در میان مردم مصر و افزایش بی اعتمادی میان گروه های مختلف سیاسی در این کشور شد.

واژگان کلیدی: اخوان المسلمین، دولت پنهان، ارتش، ۲۵ ژانویه، مصر.

۱- m.s.koushki@ut.ac.ir

۱- استادیار گروه مطالعات منطقه ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

aborwayeh@yahoo.com

۲- (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری رشته مطالعات منطقه ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بیان مسئله

جماعت اخوان المسلمین یکی از قدیمی‌ترین جریان‌های اسلام‌گرا در مصر محسوب می‌گردد که در طول تاریخ خود به‌طور کلی با وجود اتخاذ تاکتیک‌های مختلف و متنوع در عرصه کنشگری سیاسی، همواره به‌عنوان جریانی مخالف ساختارها و نظم موجود معرفی به‌شمار می‌آید که به دنبال جایگزینی نظم مدنظر خود با نظم موجود است. این امر همواره یکی از مهم‌ترین دلایلی بود که جماعت اخوان المسلمین همواره مورد سوءظن حاکمیت و در بسیاری از موارد حتی هدف دشمنی آن قرار گرفته است. در این راستا جریان اخوان المسلمین در دوران‌های پادشاهی، عبدالناصر، سادات و مبارک هدف سرکوب دولت مصر قرار گرفته و بسیاری از رهبران این گروه در تمامی این دوره‌ها بازداشت و شکنجه شده و حتی هدف اعدام، قتل و ترور قرار گرفته‌اند. ترور حسن البنا در سال ۱۹۴۹ و اعدام سید قطب در سال ۱۹۶۶ تنها دو نمونه از هدف قرار گرفتن این گروه از جانب حاکمیت بود.

با این وجود، تحولات رخ داده در جریان اخوان المسلمین و فضای سیاسی و اجتماعی مصر منجر به تحولات عمیقی در این جریان شد که طی رویدادهای حذف‌سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ خود را نشان دادند. تغییر نگرش و راهبرد این جریان به سمت نفی خشونت و انقلابی‌گری، ورود به فعالیت‌های پارلمانی و صنفی، تغییر نگرش اقتصادی و همچنین تغییر نگرش این گروه نسبت به فضای بین‌المللی و هم‌افزایی این تحولات درونی با تحولات بیرونی دوران مبارک این گروه را تبدیل گروهی اصلاح‌طلب و خواهان ادغام در رژیم سیاسی مصر نمود که در حقیقت فاقد هرگونه ابتکار عمل مشخص برای تغییر برنامه‌ای مدون برای اداره کشور است و بر خلاف گفتمان رسمی خود، جریانی اصلاح‌طلب در ساختار اقتصاد سیاسی مصر است. در این راستا می‌توان گفت اغلب اقدامات آن در این دوران از جمله همکاری با دولت پنهان مصر در بزنگاه‌های تاریخی مختلف در مقابله با جریان‌های لیبرال بیش از آن که ناشی از تاکتیک‌هایی سیاسی به منظور تقویت موضع یا تلاش برای از میدان به در نمودن رقبای سکولار باشد در حقیقت نوعی راهبرد سیاسی به منظور ورود به متن نظام سیاسی از طریق اتحاد با ارتش و دولت پنهان بوده است.

این امر در حالی بود که به نظر مؤلفان مقاله با وجود تمایل ورود این جماعت به ساختار دولت پنهان، تبدیل شدن به بخشی از آن و تمایل به اعطای امتیازات و همکاری با آن، دولت پنهان در حقیقت تمایلی یا نیازی به این امر نداشت و در عین حال که جماعت اخوان را به منظور متفرق کردن جبهه نیروهای انقلابی یا تقویت موضع ارتش در برابر جناح‌های طرفدار مبارک بازی می‌گرفت، نگاهی کاملاً مخالف به این گروه داشت و در این راستا از هیچ‌گونه تلاشی برای تضعیف آن و فراهم نمودن زمینه کودتای سال ۲۰۱۳ میلادی و براندازی مرسی دریغ ننمود. در مقابل نیز اخوان المسلمین با وجود بروز نشانه‌های رفتار خصمانه دولت پنهان در برابر خود، به تلاش برای تعامل با دولت پنهان ادامه دادند و نتوانستند در برابر توطئه‌های آن موضعی درست اتخاذ نمایند.

کودتای ۳ ژوئیه و حوادث پس از آن نیز نشان داد که جماعت اخوان المسلمین علاوه بر دو دستگی بر سر بازگشت به رویکرد تقابلی با حاکمیت جدید، تاب‌آوری پایینی در برابر سرکوب حکومت دارد و سرکوب علاوه بر اعمال فشار بر این جریان، منجر به بروز چند دستگی‌های عمیق و همچنین میل به مصالحه با حاکمیت در برخی لایه‌ها شده است. علاوه بر این، تحولات سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ سبب شدند که دولت مصر توجه ویژه‌ای بر حمایت از مظاهر تدین و محافظ‌کاری اجتماعی داشته باشد و پس از ۲۰۱۳ حمایت ویژه خود را نسبت به الازهر به منظور تبدیل نمودن آن به‌عنوان نماینده رسمی و انحصاری اسلام در مصر متمرکز نماید.

پژوهش حاصل تلاش دارد تا در ابتدا با نگاهی سیر تاریخی تحول جریان اخوان المسلمین در دهه ۱۹۸۰ به این سو به بررسی تعاملات جریان اخوان المسلمین و دولت پنهان مصر در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بپردازد و در نهایت به این پرسش پاسخ دهد که تعاملات جریان اخوان المسلمین با دولت پنهان در مصر چه پیامدهای سیاسی و اجتماعی در پی داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر تلاش دارد فرضیه زیر را اثبات نماید:

تعاملات جماعت اخوان المسلمین با دولت پنهان مصر در حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ منجر به پیامدهای عمده سیاسی و اجتماعی در سطح این گروه و جامعه شد که شامل کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش بی‌اعتمادی میان نیروهای سکولار و جماعت اخوان و گسست و اختلافات داخلی در درون جماعت اخوان المسلمین شد.

پیشینه پژوهش

احمد زغلول شلاطه در کتاب «الإسلاميون في السلطة: تجربة الإخوان المسلمين في مصر» که در سال ۲۰۱۷ توسط مرکز دراسات الوحدة العربیه بیروت منتشر شده است به بررسی انتقادی حضور یک ساله جماعت اخوان المسلمین بر سریر قدرت در مصر اشاره می‌کند و به این موضوع می‌پردازد که گروه اخوان المسلمین با وجود دارا بودن اهدافی علنی و واضح برای اقامه حکومتی اسلامی، هیچ‌گونه تصویری از چگونگی تحقق این هدف و انتقال از مرحله اداره یک جماعت به مرحله انتقال دولت ندارند. این کتاب تمرکز ویژه‌ای بر جنبه‌های فکری، ایدئولوژیک و سازمانی درونی اخوان المسلمین دارد در حالی که نویسندگان مقاله در پژوهش حاضر تلاش دارند به بررسی رویکرد این گروه از جنبه تحولات سیاسی و اجتماعی بیرونی و تأثیر آن بر رویکردها و جهت‌گیری‌های آن بپردازند.

جمال رفیق عوض العبادی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تجربة اخوان المسلمين در حکومت بر مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه و تأثیر آن بر زیست سیاسی این کشور» که در سال ۲۰۱۶ در دانشگاه ملی نجاح نابلس ارائه شد به بررسی تجربه اخوان المسلمین در حد فاصل ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ از منظر آمادگی تشکیلاتی، فکری و روانی این گروه برای حکمرانی می‌پردازد و رفتار این گروه در این دوران را ناشی از عدم آمادگی ذهنی و تشکیلاتی و عدم نظریه‌پردازی می‌داند که مانع انطباق‌پذیری و وفق دادن جماعت با وضعیت جدید شد. اما پژوهش حاضر تلاش دارد که در ابتدا با ارائه سیر تاریخی تعامل اخوان با نهادهای حاکمیتی، بیشتر به تبعات رفتار تعاملی جماعت اخوان المسلمین با دولت پنهان بر این جماعت و محیط پیرامون آن بپردازد.

خلیل العنانی در مقاله خود با عنوان «نئولیبرالیسم مومن؟! تبیین چشم‌انداز و سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی اخوان المسلمین مصر» که در سال ۲۰۲۰ توسط مؤسسه تحصیلات تکمیلی دوحه منتشر شده است به بررسی بنیان‌های تاریخی و اجتماعی تحول گفتمان غالی بر اخوان المسلمین به سمت نولبرالیسم اقتصادی می‌پردازد و بر این اساس تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آنان در سال‌های پس از خیزش ۲۰۱۱ را تحلیل می‌نماید. نویسندگان پژوهش حاضر تلاش دارند به این نکته بپردازند که تغییرات در جهت‌گیری اقتصادی تنها بخشی از فرایند تحول همه‌جانبه‌ای بود که این جریان را به سمت تعامل با دولت پنهان سوق داد.

هند محمد الحسن احمد عبدالله در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «اخوان المسلمین و انقلاب ۲۵ ژانویه: علل صعود و افول» که در سال ۲۰۱۶ به دانشگاه خارطوم ارائه شده است به بررسی دلایل افزایش قدرت اخوان المسلمین در ابتدای خیزش مردمی سال ۲۰۱۱ به‌خصوص از منظر موفقیت این جماعت در انباشت سرمایه اجتماعی پرداخته است و بهار عربی را عاملی اساسی در موفقیت این جریان در استفاده از این سرمایه اجتماعی می‌داند و سپس چالش با دولت پنهان و ناتوانی در حل بحران‌های پیش رو را از عوامل اصلی شکست می‌داند. اما پژوهش حاضر تلاش دارد نشان دهد که رویکرد غیر

انقلابی اخوان المسلمین و تلاش برای تعامل با دولت پنهان از جمله مهم‌ترین عواملی بود که راه را برای سقوط حکومت مرسى و از بین بردن سرمایه اجتماعی این گروه باز نمود.

هشام العوضی در کتاب «صراع على الشرعية: الإخوان المسلمون و مبارك ۱۹۸۲-۲۰۰۷» که در سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات مرکز دراسات الوحده العربیه منتشر شده است، به بررسی رابطه اخوان المسلمین و دولت مصر در فاصله سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۷ میلادی از جنبه ستیز بر سر کسب مشروعیت سیاسی و مردمی می‌پردازد. این کتاب در ابتدا با بررسی تاریخی مبانی مشروعیت در جمهوری عربی مصر از دوران ناصر و سادات تا دوران مبارک، ستیز میان دولت و این جنبش در دوره به قدرت رسیدن مبارک تا سال ۲۰۰۷، راهبردها و چالش‌ها، ساختار اقتصادی اخوان المسلمین و اثرات این ستیز بر سر مشروعیت بر جامعه اخوان را مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا عنوان کند مفهوم تلاش برای کسب مشروعیت در دوران پسا ۲۰۱۱ تلاش برای کسب مشروعیت و ورود به متن نظام سیاسی را از طریق تعامل با دولت پنهان پیش گرفت.

یاسر فتحی در پژوهشی که تحت عنوان «اخوان المسلمین و انقلاب ژانویه» در اندیشکده معهد المصری للدراسات ارائه نموده، تلاش کرده است که به بررسی رفتار اخوان المسلمین و دولت پنهان مصر در حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بپردازد و با بررسی علل رفتارهای این گروه در قبال دولت پنهان و پیامدهای هر یک از آن‌ها بر این جماعت بپردازد. نکته مثبت این پژوهش استفاده از تعداد زیادی مصاحبه عمیق با کادرهای میانی جماعت اخوان المسلمین است. وی در این پژوهش تعاملات میان این گروه و دولت پنهان را در حقیقت نوعی هم‌راستایی می‌داند که ناشی از ناتوانی جماعت اخوان از خروج از دایره محافظه‌کاری و گرفتار آمدن در یک سازمان خیلی بزرگ ناشی می‌شود. نکته منفی این پژوهش سوگیری‌های عقیدتی-سیاسی نویسنده در نزدیکی به این گروه است. پژوهش حاضر اما با وجود قبول ناتوانی جماعت اخوان، این ناتوانی را ناشی از تحول این حزب از انقلابی‌گری به اصلاح‌طلبی به دلیل تحولات مصر در دوران سادات و مبارک می‌داند و تلاش دارد بر آثار این تعاملات در دو سطح جماعت و فضای سیاسی-اجتماعی مصر تمرکز نماید.

چارچوب مفهومی

تحول در جریان‌های سیاسی

هیچ مسیر تکاملی سازمانی اجتناب‌ناپذیری در هیچ جنبش اجتماعی وجود ندارد. برخی از جنبش‌ها به جنبش‌هایی نهادینه و یا احزاب سیاسی تبدیل می‌شوند و برخی دیگر به خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. ویژگی‌های سازمانی متفاوت انتخاب-های سازمانی آن را توضیح می‌دهد (kridi, 2011: 15). نهادینه‌سازی جنبش، فرآیندی است برای تغییر شکل‌های جدیدی از کنش جمعی که مستلزم تحرک کمتر، از طریق نهادینه‌سازی ساختار درونی آن و حرفه‌ای‌سازی عناصر جنبش است و دو گروه اصلی از مشوق‌ها وجود دارد. که حرکت را هدایت می‌کند:

تغییرات ساختارهای اجتماعی و سیاسی:

برخی تصور می‌کردند که شکست اقتصادی دولت منجر به شکاف اجتماعی بین نخبگان دولتی و «بورژوازی اسلامی» متعلق به اقلیت شهری و جوان که در تشکیل احزاب اسلامی نقش داشتند، انجامیده است و این شکاف منجر به تلاش برای ورود این بورژوازی به سیاست از طریق احزاب اسلامی می‌گردد (kridi, 2011: 18).

تغییرات در ساختارهای سیاسی:

از آنجایی که تأسیس جنبش‌های سیاسی بدون آزادی‌های سیاسی نسبی نمی‌تواند یک گزینه باشد، مشوق‌های ارائه‌شده به جریان‌های اسلام‌گرا برای مدیریت رفتار اسلام‌گرایان می‌تواند منجر به تغییرات رفتاری و یا ایدئولوژیک در این جنبش‌ها شود (kridi, 2011: 19).

بر این اساس می‌توان گفت جریان اخوان‌المسلمین در دوران مبارک به دلیل ورود بورژوازی مسلمان به ساحت اجتماع و سیاست و همچنین مشوق‌های سیاسی ارائه‌شده در این دوران دستخوش تحولاتی در ساحت راهبردها و انتخاب‌های سیاسی شد که علی‌رغم سقوط رژیم مبارک در سال ۲۰۱۱، این امر این گروه را به سمت اتخاذ رویکرد همکاری‌جویانه با دولت پنهان سوق داد.

روش تحقیق

روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر اسنادی (کتابخانه‌ای و مراجعه به فضای مجازی) است. روش پردازش داده‌ها در پژوهش حاضر در دسته پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. در این روش، پژوهشگر به تصویرسازی از آنچه که در واقعیت وجود دارد می‌پردازد و به تشریح دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. پژوهشگر برای توجیه دلایل نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد و این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات منتشر شده در زمینه پژوهش و شناخت گزاره‌های کلی موجود فراهم می‌گردد.

سیر تاریخی تعامل جریان اخوان‌المسلمین و دولت پنهان از ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۱

روی کار آمدن حسنی مبارک را می‌توان آغاز دوران جدیدی از روابط میان جنبش اخوان‌المسلمین با دولت دانست. در ابتدای این دوران و در سال ۱۹۸۴، با پیوستن اکثر اعضای جماعت اسلامی دانشجویی مصر به جماعت اخوان‌المسلمین، انتخاب اعضای مجلس شورای جماعت اخوان برای اولین بار از طریق انتخابات داخلی انجام گرفت (العوضی، ۲۰۰۹: ۱۶۵). همچنین جماعت اخوان‌المسلمین با رد قطعی رویکرد براندازانه، رویکرد تغییر از درون ساختار سیاسی را در پیش گرفت و دو هدف عمده که شامل ادامه بازسازی و توسعه ساختار سازمانی این جماعت و ادغام شدن در تار و پود جامعه را در پیش گرفت (العوضی، ۲۰۰۹: ۹۹).

جماعت اخوان‌المسلمین برای تحقق هدف فوق علاوه بر استفاده از فضاها و سنتی مانند مساجد، وارد فضاها و سیاست جدیدی همچون پارلمان، اتحادیه‌های دانشجویی، اتحادیه‌های صنفی و کارگری و امور خیریه شد (حبیب، ۲۰۱۲: ۳۵۷). در این راستا این جماعت در سال ۱۹۸۴ میلادی با ائتلاف با حزب الوفد، در انتخابات پارلمانی شرکت کرد. علاوه بر این، این گروه طی ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ با شرکت در انتخابات اتحادیه‌های صنفی کشور بویژه کانون وکلا، کنترل اکثر آن‌ها را در دست گرفت (تمام، ۲۰۱۰: ۱۸۳).

در دهه ۱۹۹۰ میلادی، رویدادهایی همچون مخالفت اخوان‌المسلمین با سیاست‌های مبارک و تحریم انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۰ منجر به برخورد با این گروه شد. با این وجود، سیاست رژیم مبارک به‌طور عام ممانعت از قدرتمند شدن این جریان (و نه ریشه‌کن کردن آن) بود. از این رو جماعت اخوان به‌طور کلی در صورت پایبندی به برخی از خط قرمزهای رژیم سیاسی، از سطحی از آزادی عمل برخوردار بود (شلاطه، ۲۰۱۶: ۹۳).

علاوه بر این، اخوان‌المسلمین سیاسی در این دوران با مشارکت فعالانه در برخی قضایای اجتماعی و سیاسی، مراجعه به دادگاه‌ها برای رسیدگی به قضایای مختلف و همچنین همکاری با نیروهای امنیتی در حوزه جلوگیری از فتنه‌های مذهبی عملاً مرجعیت دولت مدرن را به‌عنوان متولی انحصاری اعمال حاکمیت پذیرفتند (تمام، ۲۰۱۰: ۸۶).

دهه ۱۹۹۰ میلادی همچنین سرآغاز برخی تحولات فکری در درون بخش‌هایی از جماعت اخوان‌المسلمین محسوب می‌گردد. طی این دهه، بخش بزرگی از طیف وسط (که در دهه ۱۹۸۰ وارد این جماعت شدند) به سمت پذیرش مفاهیم مدرنی همچون حقوق بشر، دموکراسی و برابری زن و مرد حرکت نمودند و خواهان تلاش برای قانونی نمودن فعالیت‌های سیاسی این جماعت شدند (العوضی، ۲۰۰۹: ۲۰۴). این افراد همچنین به دلیل سیطره گارد قدیمی جماعت اخوان بر گروه از وضع داخلی آن ناراضی بودند و خواهان توسعه دموکراسی داخلی در آن بودند (El Sharif, 2015).

دهه اول قرن ۲۱ را می‌توان یکی از دهه‌های طلایی اقتصاد مصر در دوران حسنی مبارک دانست. در این دهه اقتصاد مصر به‌طور متوسط سالانه حدود ۷ درصد رشد داشت (رضوان، ۲۰۱۲). رشد طبقه متوسط در این دوران یکی از عواملی بود که منجر به افزایش افکاری همچون دموکراسی‌خواهی و مشارکت بیشتر در فضای سیاسی کشور شد. علاوه بر این، فشارهای آمریکا به مصر به منظور باز نمودن فضای سیاسی و اجتماعی منجر به این شد که قاهره در سال ۲۰۰۵ میلادی، اولین انتخابات ریاست‌جمهوری در تاریخ این کشور را برگزار نماید. همچنین فضای سیاسی این کشور شاهد گشایش‌هایی باشد که منجر به برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ مصر شد و اخوان المسلمین بیست درصد کرسی‌های آن پارلمان را به دست آوردند (سرحان، ۲۰۰۵). در این انتخابات، اخوان المسلمین در ارائه برنامه انتخاباتی خود بر پابندی خود به چارچوب-های دولت ملی، سازوکار دموکراتیک در انتقال قدرت، عدم دنبال کردن تشکیل یک حکومت اسلامی و صحبت از دولت مدنی با مرجعیت اسلامی و دستورالعمل اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار و مداخله حداقلی دولت تأکید نمودند (تمام، ۲۰۱۰: ۸۵).

نشانه‌های اولیه تحول به سمت نولیبرالیسم که از دوران سادات و سیاست‌های اقتصادی وی آغاز شد منجر به این امر شد که جریان اخوان المسلمین، به‌خصوص کادرهای دارای سابقه سکونت در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و کشورهای غربی به سمت تأسیس کسب و کارهای مختلف رفتند (تمام، ۲۰۱۰: ۹۰). این امر سبب شد که تأثیر اقتصادی این گروه در مصر به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد، بخش بزرگی از رهبران و اعضای قدیمی در زمره طبقات متوسط و بالای منتفع از سیاست‌های نولیبرالی دولت مبارک قرار گیرند و همچنین بخش بزرگی از افراد منتفع از این اصلاحات را نیز جذب نماید که به تدریج این امر منجر به تحول در گفتمان جماعت اخوان المسلمین به سمت نولیبرالیسم اقتصادی شد (Annani, ۲۰۲۰).

سیر تاریخی تحولات مصر و تعاملات اخوان المسلمین و دولت پنهان مصر از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴

با رسیدن امواج خیزش‌های مردمی جهان عرب به مصر و ظهور فراخوان‌های مختلف برای تظاهرات در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، بخش بزرگی از مردم مصر با فراخوان‌ها برای تظاهرات تعامل کردند و برخی از شخصیت‌های اخوان المسلمین شرکت‌کننده در «انجمن ملی برای تغییر» مانند دکتر عصام العریان، شرکت خود را در تظاهرات اعتراضی انجمن ملی تغییر اعلام کردند (عاشور، ۲۰۱۳). در تظاهرات ۲۵ ژانویه در خیابان‌های مصر تعداد زیادی از اعضای اخوان المسلمین نیز حضور فعالانه داشتند. این مشارکت ریشه در این داشت که اخوان المسلمین با اعطای مجوز حضور فردی اشخاص در اعتراضات، تلاش داشت موضعی میانه اتخاذ نماید (عبدالله، ۲۰۱۶: ۸۵). در ۲۶ ژانویه، این گروه تصمیم گرفت با تمام قوا در تظاهرات روز ۲۸ ژانویه شرکت کند و همه تشکیلات و کمیته‌های خود را مطلع کرد (عبدالله، ۲۰۱۶: ۸۶). در ۶ فوریه ۲۰۱۱ این گروه مشارکت خود را در گفتگوی ترتیب داده شده توسط سرلشکر عمر سلیمان، مدیر کل اطلاعات و معاون رئیس‌جمهور اعلام کرد. در روز ۴ فوریه ۲۰۱۱، جماعت اخوان المسلمین اعلام کرد که به دنبال قدرت نیست و نامزدی را برای ریاست-جمهوری معرفی نخواهد کرد. چند روز بعد یعنی در روز ۱۱ فوریه عمر سلیمان اعلام کرد که مبارک از منصب ریاست-جمهوری کناره‌گرفته و شورای عالی نیروهای مسلح مسئول اداره کشور است (الهیئه‌العامة للاستعلامات، بی‌تا). نکته مهم در مرحله ابتدایی رویدادهای سال ۲۰۱۱ مصر را می‌توان عدم پیش‌بینی این جماعت از احتمال بروز خیزشی مردمی در این

۱- الجمعية الوطنية للتغيير: یک ائتلاف سیاسی متشکل از شخصیت‌ها و احزاب سیاسی مخالف نظام سیاسی بود که در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط محمد البرادعی، مدیرعامل اسبق سازمان انرژی اتمی با هدف فشار بر حاکمیت برای انجام اصلاحات تأسیس گردید (کارنیگی، ۲۰۱۰).

مقیاس و در نتیجه عدم آمادگی برای پیوستن به این موج بود و در واکنش به این امر این جماعت به‌طور رسمی سیاست انتظار برای روشن شدن اوضاع از یک سو و سیاست عدم بستن درب‌های مذاکره با رژیم را در پیش گرفت؛ هر چند که تعداد بسیاری از اعضای شاخه جوانان این گروه به‌طور فردی به این اعتراضات پیوستند (منیر، ۲۰۱۱).

صحنه سیاسی مصر پس از خروج مبارک و به دنبال موفقیت تظاهرات مردمی که خواستار کناره‌گیری وی بودند، تغییر کرد. در این بین، شورای عالی نیروهای مسلح که کنترل کشور را در دست گرفته بود بیانیه‌ای صادر کرد که متضمن تعلیق عمل به قانون اساسی، انحلال مجلس‌های علیا و سفلی، قرار گرفتن شواری عالی در مقام ریاست کشور و نمایندگی آن در داخل و خارج از کشور توسط رئیس شورای نظامی بود و متعهد شد که اصلاح قانون اساسی را آغاز و آن را به تصویب برساند و پس از اجرای همه‌پرسی بر این قانون اساسی، زمینه را برای برگزاری انتخاباتی آزاد و متکثر فراهم سازد (عبدالله، ۲۰۱۶: ۸۲). در ابتدای این دوران، جماعت اخوان المسلمین تصمیم گرفت که در راستای تسهیل انتقال قدرت به غیر نظامیان راهبرد همکاری با سایر احزاب و گروه‌های سیاسی را در پیش گیرد، از تلاش برای دستیابی به منصب ریاست‌جمهوری صرف‌نظر نماید و در انتخابات پارلمانی تنها در یک سوم حوزه‌های انتخاباتی دست به معرفی نامزد بزند (فتحی، ۲۰۱۹: ۲۰). با این وجود، سرعت تحولات منجر به تغییر این راهبرد اولیه شد. این گروه از نقشه راه دولت پنهان که متضمن اصلاحات محدود در قانون اساسی به منظور زمینه‌سازی برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی، تمدید دوره ریاست شورای عالی نظامی بر دولت، سازوکارهای انتخاباتی، نظارت قضایی بر انتخابات، سازوکارهای تجدیدنظر در احکام قضایی و مرجع دارای صلاحیت برای دعوت به تغییرات در قانون اساسی بود، حمایت نمود. این گروه با تمامی نیروی سازمانی خود را برای حمایت از نقشه راهی به میان آورد که فاقد اجماع لازم میان فعالان سیاسی مصر بود. علاوه بر این، این حزب پس از تأسیس حزب «آزادی و عدالت» در ژوئیه سال ۲۰۱۱، با هم‌پیمانی با حزب وفد ائتلافی تحت عنوان «ائتلاف دموکراتیک برای مصر» به منظور ایجاد نوعی توافق و هماهنگی در انتخابات پارلمان را تأسیس نمود، اما این ائتلاف به سرعت فروپاشید. عدم توانایی برای ایجاد اجماع گسترده در انتخابات پارلمان با تصمیم این گروه برای شرکت در انتخابات پارلمان با حداکثر قوا تشدید شد و این گروه ۴۷ درصد از کرسی‌های مجلس سفلی و ۵۸ درصد از کرسی‌های مجلس علیا را به دست آورد و سرانجام در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۲، این جریان بر خلاف اعلام قبلی در انتخابات ریاست‌جمهوری مشارکت نمود و با وجود رد صلاحیت شدن خیرت الشاطر، نامزد اصلی این گروه در انتخابات، دکتر محمد مرسی که نامزد پوششی جماعت اخوان-المسلمین بود که منصب ریاست‌جمهوری انتخاب شد (فتحی، ۲۰۱۹: ۲۲).

در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، نشانه‌هایی وجود داشت که بر اساس آن‌ها به نظر می‌رسید دولت پنهان مصر و جماعت اخوان المسلمین به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند. اعلامیه‌ها و بیانیه‌های جماعت اخوان المسلمین در ابتدای عزل مبارک پیام‌های هوشمندانه‌ای سرشار از اعتماد و تمجید از نهاد نظامی بود. از سوی دیگر، ترکیب کمیته اصلاحات قانون اساسی، که از سوی شورای عالی نیروهای مسلح تشکیل شد، حاوی پیام‌هایی واضح و غیر قابل چشم‌پوشی نسبت به اخوان المسلمین و سایر اسلام‌گرایان بود. شورای عالی نظامی این کمیته را در فوریه سال ۲۰۱۱ به ریاست طارق البشیری، از قضات مورد احترام اخوان المسلمین و عضویت صبحی صالح، وکیل دادگستری و از رهبران عالی‌رتبه این جماعت تشکیل داد (سعدالدین، ۲۰۱۱). همچنین با وجود بروز خشونت‌های فیزیکی بر علیه گروه‌های انقلابی در سال ۲۰۱۱ از جانب ارتش، اعضای جماعت اخوان المسلمین تا حد زیادی از این امر در امان بودند (Tonsy, 2022: 15). با ظهور نشانه‌های اولیه دو قطبی شدن سیاسی بین جریان‌های سیاسی و اختلاف نظر بر سر نقشه راه، این گروه در اعلامیه‌ای که به مثابه پیامی مثبت به ارتش بود صراحتاً بر این امر تأکید نمود که اخوان هر گونه تلاش برای تضعیف انسجام یا ایجاد شکاف بین مردم و ارتش را محکوم می‌کنند (اخوان‌اونلاین، ۲۰۱۱). این گروه همچنین از اقدام شورای عالی نیروهای مسلح در خلال صدور اعلامیه

قانون اساسی ۳۰ مارس که در آن بر خلاف مفاد مندرج در همه‌پرسی عمل کرد و برخی مواد دیگر را در آن گنجانید با اغماض گذشت. این نزدیکی یا تفاهم ضمنی با نهاد نظامی که به نتیجه «آری» ۷۷ درصدی مردم به اصلاحات قانون اساسی منجر شد، جماعت اخوان را به این سمت سوق داد که در آستانه نقطه عطفی تاریخی قرار دارد فرصت تاریخی بزرگی برای ایجاد ائتلاف میان بین بزرگترین سازمان و گروه در مصر یعنی اخوان المسلمین و دولت پنهان مصر وجود دارد و این ائتلاف منجر به تسهیل دستیابی این جماعت به قدرت خواهد شد (عبادی، ۲۰۱۶: ۱۶۳). این امر یکی از دلایلی بود که این جماعت را به سمت حمایت از نقشه راه انتقالی دولت پنهان سوق داد و با وجود عدم التزام شورای عالی نیروهای مسلح به زمانبندی اعلامی، بروز درگیری‌های متعدد میان ارتش و جوانان انقلابی و کشته شدن بسیاری از جوانان، افزایش ناراضیاتی عمومی از اخوان المسلمین و عملکرد آن و بروز برخی ناراضیاتی‌ها میان جوانان این گروه، جماعت اخوان تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری از این روند حمایت نمود (فتحی، ۲۰۱۹: ۳۰).

در این بین، تحول جماعت اخوان المسلمین در طول دوران مبارک آن را به یک گروه سیاسی اصلاح‌طلب و مخالف رویکرد انقلابی، منتفع از اصلاحات اقتصادی و دارای ارتباطاتی با برخی از طرف‌های دولت پنهان به‌خصوص بخش‌های اقتصادی آن و خواهان برخورداری از شناسایی داخلی و بین‌المللی تبدیل نمود که از نظر نگارندگان تا پیش از خیزش سال ۲۰۱۱ به دلیل مشارکت فعالانه در امور سیاسی و پارلمانی و عدم تمایل حکومت به پذیرش این مشارکت، خود را در حاشیه نظام سیاسی می‌دید. از این رو رویدادهای سال ۲۰۱۱ را فرصتی برای ورود به متن سیاست و تبدیل شدن به یکی از اجزای تشکیل‌دهنده طبقه سیاسی مصر ارزیابی می‌کرد و در این راستا تلاش نمود که سیاستی مسالمت‌جویانه و همراستا با دولت پنهان اتخاذ نماید تا از فرصت رخ داده به منظور تحکیم جایگاه خود استفاده نماید (براون، ۲۰۱۲: ۷۷). با این وجود، دولت پنهان به رهبری ارتش به دلیل عدم تمایل به پذیرش اخوان المسلمین به‌عنوان یکی از اعضای خود، از تعامل این گروه با این دولت به منظور تقویت جایگاه متزلزل خود در فضای انقلابی مصر استفاده ننموده و در ادامه زمینه را برای تضعیف این جماعت و حذف آن از سپهر سیاسی مصر را فراهم کرد. این امر به‌خصوص از این جهت اهمیت دارد که ناراضیاتی ارتش از عملکرد دولت مبارک در به حاشیه راندن ارتش و تشکیل گروه جدیدی از مراکز نفوذ مرتبط به خود، این نهاد را در سال ۲۰۱۱ نیازمند متحدانی برای سرکوب توأمان این مراکز و تقویت جایگاه خود برای مبارزه با گروه‌های انقلابی می‌نمود (Tonsy, 2022: 87).

با روی کار آمدن دولت مرسی در ۲۴ ژوئن سال ۲۰۱۲، جماعت اخوان المسلمین وارد مرحله جدیدی از چالش‌های متعدد با دولت پنهان از یک سو و احزاب و گروه‌های سیاسی سکولار، لیبرال و چپ‌گرا از سوی دیگر شد. از جانب دیگر سیطره دولت پنهان مصر بر تمامی گلوگاه‌های اداری، اقتصادی و امنیتی در مصر سبب شد که دولت مرسی طی دوره یک ساله خود با مشکلات عدیده‌ای همچون کمبود کالاهای اساسی، کمبود برق و کاهش شدید سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مواجه باشد. امری که به دلیل رویکرد همکاری‌جویانه جماعت اخوان المسلمین با دولت پنهان و عدم تمایل یا توانایی این گروه در قطع نمودن دست‌های آن تشدید شد (فتحی، ۲۰۱۹: ۳۲). همچنین دولت پنهان مصر از طریق صدور احکام قضایی، حکم بطلان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۲ و در نتیجه انحلال آن را به دست بیاورد (فرانس ۲۴، ۲۰۱۲). این امر منجر به این شد که در نهایت مرسی به منظور در دست گرفتن زمام امور در نوامبر ۲۰۱۲ دست به صدور یک اعلامیه قانون اساسی به منظور تقویت موضع قانونی و سیاسی خود زد اما با اعتراض گروه‌های سیاسی از آن عقب‌نشینی نمود (الحره، ۲۰۱۲). از جانب دیگر دولت پنهان با استفاده از برخی چهره‌های جوان و برخی احزاب در آوریل ۲۰۱۳ دست به تشکیل یک گروه سیاسی به نام «تمرد» زد که هدف آن جمع‌آوری میلیون‌ها امضا برای عزل مرسی بود (کارنیگی، ۲۰۱۳). با شدت گرفتن مخالفت‌ها بر ضد مرسی و صدور فراخوان تجمع در روز ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳، ارتش با انجام کودتا در روز ۳ ژوئیه، حکومت مرسی را

سرنگون و وی را در مکانی نامعلوم بازداشت نمود و رئیس دادگاه عالی قانون اساسی مصر به منصب ریاست جمهوری منصوب شد (بی‌بی‌سی، ۲۰۱۳).

تمامی این امور در حالی رخ داد که دولت مرسى و جماعت اخوان المسلمین در طول دوره زمامداری خود تلاش‌های خود را برای تعامل با دولت پنهان و نزدیکی به آن ادامه دادند. در سال ۲۰۱۲، خیریت الشاطر و حسن مالک، دو تن از رهبران سیاسی و اقتصادی اخوان المسلمین، تلاش‌های خود را برای ادغام مجدد بازرگانان وابسته به نظام مبارک در ساختار اقتصادی مصر را در قالب شورایی موسوم به شورای مصری توسعه کسب و کار آغاز نمودند (جمال، ۲۰۱۹). علاوه بر این، در جریان تأسیس کمیته تدوین قانون اساسی سال ۲۰۱۲ مصر، برخی از اعضای نزدیک به دولت پنهان از جمله ژنرال ممدوح شاهین، عضو شورای عالی نیروهای مسلح، عمرو موسى، دبیرکل سابق اتحادیه عرب به عضویت این کمیته منصوب شدند (فرانس ۲۴، ۲۰۱۲). همچنین در این پیش‌نویس، اختیارات نیروهای مسلح مصر به میزان زیادی باقی ماند و ارتش این کشور حق اظهارنظر در زمینه بودجه ارتش، قوانین مرتبط با ارتش و همچنین محاکمه غیرنظامیان در برابر دادگاه‌های نظامی را به‌طور قانونی به دست آورد (مسوده دستور مصر، ۲۰۱۲). علاوه بر این، ارتش و اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۲ وی همواره پالس‌های مثبتی به یکدیگر ارسال می‌نمودند و این‌گونه به نظر می‌رسید که اخوان المسلمین خواهان دستیابی به نوعی تفاهم در جهت تقسیم قدرت با دولت پنهان به رهبری ارتش است (Roll, 2012). علاوه بر این، مرسى تلاش نمود تا با نزدیک نمودن خود به ارتش مصر، اطمینان این نهاد را به خود جلب نماید (عبادی، ۲۰۱۶: ۱۳۳).

کودتای ۳ ژوئیه ۲۰۱۳ و برکناری رئیس‌جمهور منتخب، شوک بزرگی برای جماعت اخوان المسلمین محسوب می‌شد و این گروه در حوزه‌های رهبری، برنامه‌ریزی، اعضای میدانی و حامیان آمادگی واکنش به آن را نداشت. این جماعت علی‌رغم فشارهای داخلی، سازمانی و بیرونی به نقشه راه دولت پنهان پایبند و علی‌رغم تمام مراحل نقشه راه و انتخاب رئیس‌جمهور غیرنظامی، همه چیز از بین رفت و تفاهمات با دولت پنهان نتوانست مانع از کودتای آن بر ضد مرسى شود. از این رو با وجود اعلان پایبندی جماعت اخوان و هم‌پیمانان آن به مشروعیت ریاست‌جمهوری مرسى و برپایی تجمعات اعتراضی در مناطق مختلف، در حقیقت نقشه راهی برای برون‌رفت از این بحران و مواجهه با ماشین سرکوب دولت پنهان نداشت و در نتیجه با حمله نیروهای امنیتی به میدان رابعه و النهضه و کشته شدن صدها تن از طرفداران مرسى در این دو میدان در ۱۴ اوت ۲۰۱۳ و پراکنده نمودن تظاهرات‌های اعتراضی، دچار نوعی بن‌بست سیاسی و سازمانی شد (فتحی، ۲۰۱۹: ۳۲).

سرکوب بی‌سابقه و وحشیانه اخوان المسلمین و طرفداران آن‌ها به‌خصوص کشتار صدها تن از طرفداران آنان طی متفرق کردن اعتراضات میدانی رابعه العدویه و النهضه و محکوم نمودن بسیاری از آنان به اعدام و حبس‌های طولانی مدت منجر به بروز انتقادات داخلی بسیاری از نیروهای جوان نسبت به رهبران تاریخی اسلام‌گرا به‌خصوص در درون جماعت اخوان-المسلمین بویژه علیه گارد قدیم آن شد. این امر از آنجا اهمیت می‌یابد که در حدود ۶۵ درصد از کادرهای میانی و عالی‌رتبه جماعت اخوان المسلمین به دلیل بازداشت‌های گسترده در زندان هستند و نیروهای جوان‌تر جایگزین آن‌ها شده‌اند (فهمی، ۲۰۱۵). این اعتراضات که از جانب رهبران سازمان از طریق اقدامات تنبیهی، سانسور، قطع مستمری خانواده بازداشت‌شدگان و حتی اخراج پاسخ داده می‌شد که در حقیقت به دلیل فضای سرکوب به معنای گرسنگی خانوده و بی‌یآوری در برابر دولت در خیابان و زندان بود (مبادره الاصلاح العربی، ۲۰۱۹). با این وجود، این انتقادات منجر به تشکیل جریان انقلابی در درون اخوان المسلمین شد که به دنبال اتخاذ رویکردهای انقلابی در برابر حکومت بود. علاوه بر این برخی از این جوانان در پی این حوادث کم‌کم به سمت افراطی‌گری یا سکولاریسم پیش رفتند یا اینکه به‌طور کل از فعالیت‌های سیاسی چشم پوشیدند (Abdelgawad & Mangued, 2022).

در این میان، نکته مهم بازگشت برخی از چهره‌ها و احزاب مخالف کودتای سال ۲۰۱۳ میلادی از مخالفت علنی با دولت و کودتای خروج آنان از ائتلاف با اخوان المسلمین است. در این راستا دو حزب وسط، متعلق به اخوانی‌های سابق و الوطن، متعلق به جریان سلفی در سال ۲۰۱۴ به ائتلاف خود را با این جماعت پایان دادند (El Sharif, 2015).

پیامدهای سیاسی، اجتماعی تعاملات اخوان المسلمین با دولت پنهان مصر

تعامل اخوان المسلمین با دولت پنهان مصر طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ ریشه در تحولاتی داشت که این گروه در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ از سر گذراند و منجر به تبدیل شدن این گروه به یک گروه گسترده و دارای بوروکراسی سازمانی دست‌وپاگیر شد که خواهان تعامل با دولت پنهان بودند و از این رو هیچ‌گونه راهبرد اقتضایی برای واکنش به شکست راهبرد اصلی خود برخوردار نبود (براون، ۲۰۱۲: ۷۶). این امر منجر به این شد که پس از کشتار و متفرق نمودن طرفداران مرسی در اوت ۲۰۱۳، ابتکار عمل اوضاع به‌طور کامل در دست دولت پنهان قرار گیرد (مبادره الاصلاح العربی، ۲۰۱۹). تعاملات اخوان المسلمین و دولت پنهان مصر در این دوران دارای پیامدهای سیاسی و اجتماعی بزرگی در سطح این گروه، جامعه مصر و دولت این کشور بود که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان پیامدهای زیر دانست:

کاهش سرمایه اجتماعی جماعت اخوان المسلمین: ناتوانی جماعت اخوان المسلمین در ارائه یک نقشه راه مشخص و اعلام پابندی آن به نقشه راه دولت پنهان، عقب‌نشینی در برابر نهادهای دولت پنهان و عدم مقاومت مؤثر در برابر آنان، ناتوانی در درک توطئه‌های دولت پنهان و عدم برخورداری از یک راهبرد جامع برای مبارزه با آن و همچنین ناتوانی این جماعت در حل مشکلات معیشتی و مالی دولت سبب شد که دولت پنهان بتواند از یک سو جماعت اخوان المسلمین را در سطح مردمی به‌عنوان یک جماعت سری، یک گروه مرموز و دارای نقشه‌های شوم برای کشور جا بزند (عبدالله، ۲۰۱۶: ۸۹). از سویی دیگر بسیاری از مردم و حتی رأی‌دهندگان این جماعت را به دلیل ناتوانی آن در حل مشکلات معیشتی به‌خصوص مشکل برق و گاز پخت‌وپز و همچنین بروز مشکلات امنیتی به تدریج از این جماعت رویگردان و حتی مخالف آن شدند (فهیمی، ۲۰۲۰: ۱۶۶). این امر در حالی است که اعضای این جماعت از دهه ۱۹۸۰ تا آن زمان مشارکتی فعالانه و موفق در اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای، محیط کسب و کار، مدارس و مراکز خیریه، سازمان‌های غیر دولتی، کمک‌رسانی در حوادث طبیعی و غیرمترقبه و حضور در پارلمان داشتند و از این رو به‌عنوان یک جایگزین جذاب و عملیاتی برای رژیم حاکم می‌دیدند. علاوه بر این، ناتوانی این جماعت در ایجاد نوعی همزیستی و توافق میان رویکرد انقلابی مورد حمایت معترضان و رویکرد همکاری‌جویانه با دولت پنهان سبب شد که این جریان بخش بزرگی از فعالان سیاسی و جوانان معترض را نیز ناراضی کرد و مورد انتقاد شدید آنان قرار گرفت. علاوه بر این، رویکرد منفعلانه جماعت اخوان در پرونده مسیحیان قبطی و تلاش برای عدم اتخاذ موضعی صریح با هدف جلب رضایت همه گروه‌ها و اجتناب از خشمگین نمودن مسیحیان منجر به بروز نارضایتی از رویکرد این گروه در میان جماعت‌های سلفی از یک سو و کلیسای ارتدکس قبطی، به‌عنوان یکی از نهادهای تشکیل‌دهنده دولت پنهان، از سویی دیگر شد (العنانی، ۲۰۱۹). تمامی این امور از جمله عواملی بود که سبب شد جماعت اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۳ با کاهش شدید سرمایه اجتماعی مواجه گردد و تمرکز این جماعت بر روایت مبتنی بر مظلومیت در مواجهه با دولت و ناتوانی در حمایت از کادرها و انفعال در مبارزه منجر به این شد که این جماعت نتواند این سرمایه اجتماعی را بازسازی نماید (مبادره الاصلاح العربی، ۲۰۱۹).

گسست نسلی و انشعاب در جماعت اخوان المسلمین: گسست نسلی میان جوانان و رهبری در جماعت اخوان المسلمین را می‌توان یکی از مهم‌ترین نتایج تعاملات این گروه با دولت پنهان مصر دانست. جماعت اخوان المسلمین در طول تاریخ خود همواره شامل طیف‌های متعدد فکری بوده است و از دهه ۱۹۸۰ و با پیوستن طیف اکثریت جماعت اسلامی دانشجویی

به این جماعت، طیف قدرتمندی از عناصر نوگرا به آن پیوست که موتور محرکه فعالیت‌های سیاسی جماعت در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و حتی بخشی از دهه اول قرن ۲۱ بودند (العوضی، ۲۰۰۹: ۱۹۵). وجود انضباط سازمانی مؤثر و همبستگی میان این نیروها همواره مانع از بروز انشعابات بزرگ در این جماعت در سال‌های پیش از ۲۰۱۱ می‌شد هر چند این جماعت شاهد استعفای بخشی از کادرهای نوگرا در سال ۱۹۹۶ و تأسیس حزب وسط و همچنین برخی اعتراضات در جریان انتخاب محمد بدیع به منصب مرشد در سال ۲۰۱۰ بود (فتیحی، ۲۰۱۹: ۹). با این وجود، رویکرد همکاری‌جویانه جماعت اخوان-المسلمین با دولت پنهان در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ و رویکرد انفعالی آن در برابر کودتا و سرکوب وحشیانه‌ای که در پی آن روی داد منجر به بروز شکاف‌هایی جدی و گسست در این جماعت شد (فتیحی، ۲۰۱۹: ۱۲). این رویکرد انفعالی در سطوح بالای جماعت منجر به بروز دو جریان عمده در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ و چند جریان عمده در سال‌های پس از کودتا شد.

گسست‌های دوران ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ را می‌توان بروز و ظهور افرادی همچون عبدالمنعم ابوالفتوح به‌عنوان شخصیت تأثیرگذار بر طیف نوگرا و حازم صلاح ابواسماعیل به‌عنوان شخصیت تأثیرگذار بر طیف سلفی دارای رویکرد انقلابی دانست. این دو شخصیت که هر دو سابقه عضویت در جماعت اخوان‌المسلمین را در کارنامه خود داشتند با تکیه بر کاریزمای شخصی، ارائه برنامه‌ای مشخص و طرح مسائل انتقادی از جماعت اخوان تبدیل به پتانسیل‌هایی برای جذب جوانان اخوانی و کم نمودن از سید رأی این جماعت شدند. این امر به‌خصوص از این جهت حائز اهمیت است که بسیاری از اعضای طیف جوان جماعت اخوان‌المسلمین با تصمیمات و رویکردهای این جماعت مخالف بودند. برخی پژوهشگران تصمیم ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری و ورود کامل به انتخابات پارلمانی را نتیجه تلاش برای محافظت از سید رأی جماعت اخوان و ممانعت از سرازیر شدن آن به جریانات رقیب می‌دانند (فتیحی، ۲۰۱۹: ۱۵).

موفقیت کودتا بر ضد محمد مرسى، رئیس‌جمهور سابق مصر در سال ۲۰۱۳ میلادی، جنبش اخوان‌المسلمین را با چالش‌های بزرگی مواجه نمود. کشتار گسترده طرفداران اخوان‌المسلمین در دو میدان رابعه العدویه و النهضة، سرکوب گسترده و بازداشت بسیاری از کادرهای اصلی و حتی درجه دو و سه این سازمان باعث شد که این سازمان با زلزله سیاسی بزرگی مواجه شود که در تاریخ این سازمان بی‌سابقه بوده است و سابقه ۴۰ ساله فعالیت شبه علنی و عدم آمادگی برای مقابله با این حجم سرکوب و بازداشت سبب شد که این جماعت با نوعی درهم‌ریختگی تشکیلاتی مواجه شود و حجم بی‌سابقه و بالای بازداشتی‌ها و مصادره حجم زیادی از اموال آن نیز سبب شد که چتر حمایت اجتماعی جماعت اخوان‌المسلمین بر روی خانواده‌های اعضای بازداشتی نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود (مبادره الاصلاح العربی، ۲۰۱۹).

علاوه بر این، بسیاری از کادرهای جوان جماعت اخوان‌المسلمین که پیش از این در خفا از مشی پدرسالانه رهبری قدیمی به‌خصوص عدم وجود دموکراسی داخلی فعالانه، مشی سیاسی سازمان، زد و بند با نظام سیاسی به‌خصوص در دوران پسا ۲۰۱۱ و همچنین اداره پرونده اعتراضات پسا کودتا ناراضی بودند در دوران بعد از سرکوب اخوان‌المسلمین تحت تأثیر این تحولات دچار تحولات عمیق فکری شدند که این تحولات طیف متنوعی از اقدامات از قطع ارتباط با جماعت و توقف فعالیت‌های سیاسی، تلاش برای اصلاح جماعت از درون، خشم انقلابی تا ورود بسیار محدود به سپهر اندیشه‌ای جریان سلفی را در بر می‌گرفت (مبادره الاصلاح العربی، ۲۰۱۹). بسیاری از این افراد با خروج از کشور تلاش کردند تا در کشورهایی همچون ترکیه، مالزی، سودان، قطر و در صورت امکان اتحادیه اروپا در کنار رهبران عالی‌رتبه و درجه دو که موفق به خروج از کشور شده بودند به ادامه فعالیت‌های سیاسی خود بپردازند. گروه‌های کوچک دیگری نیز با تشکیل برخی گروه‌های انقلابی کوچک تلاش کردند با مجاز شمردن برخی اقدامات خشن همچون حمله به نیروهای پلیس، مقامات سرکوب‌گر یا زیرساخت‌ها به مقابله با رژیم مصر بپردازند که مهم‌ترین نمود این جریان جنبش «حسم» بود و بسیاری محمد

کمال، از رهبران عالی‌رتبه جماعت اخوان که در سال ۲۰۱۶ به دست نیروهای امنیتی ترور شد، را پدرخوانده این جریان می‌دانند (بی‌بی‌سی، ۲۰۱۶).

افزایش دیوار بی‌اعتمادی میان اسلام‌گرایان و گروه‌های سکولار: تعاملات جریان اخوان المسلمین و دولت پنهان مصر یکی از دلایلی بود که بدگمانی میان احزاب و شخصیت‌های سکولار و این گروه را تا حد زیادی بالا برد. این احزاب از یک سو تا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ تعاملات اخوان المسلمین با دولت پنهان را تلاشی برای حذف خود از صحنه سیاسی این کشور از طریق ایجاد یک ائتلاف دینی-نظامی می‌دیدند و از سویی دیگر به‌خصوص پس از به قدرت رسیدن مرسى، تک‌روی جماعت اخوان، بهره‌نبردن از کیک قدرت و یکه‌تازی جریان اسلام‌گرا را مقدمه‌ای بر ایجاد ائتلافی اسلامی و ایجاد یک دولت دینی در مصر می‌دیدند و این بدبینی به جماعت اخوان در دوران ریاست‌جمهوری مرسى نیز ادامه یافت (صایغ، ۲۰۱۲). همچنین تبلیغات دولت پنهان بر ضد جماعت اخوان المسلمین، سیطره آن گروه بر منصب ریاست‌جمهوری و سیطره اسلام‌گرایان بر نزدیک به ۷۰ درصد کرسی‌های پارلمان نیز به این هراس‌ها دامن می‌زد. از این رو این احزاب و گروه‌ها دولت پنهان به‌خصوص ارتش را متحدی طبیعی در برابر «زیاده‌خواهی‌های اخوان المسلمین» دیدند و به‌طور فعالانه با نهادهای دولت پنهان در حوادث منجر به کودتای سال ۲۰۱۳ همکاری نموده و بسیاری حتی در جریان کشتار ماه اوت طرفداران این گروه در میدان رابعه و النهضه سکوت نمودند (دن و حمزوی، ۲۰۱۷).

نتیجه

رویدادهای حد فاصل خیزش ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تا انتهای سال ۲۰۱۴ نشان دادند که جماعت اخوان المسلمین به هیچ عنوان مستعد تعامل با این تحول بزرگ نبوده است و بر اساس طرز تفکر مبتنی بر تعامل با دولت به منظور محافظت از سازمان و افزایش دستاوردها که در دوران مبارک دنبال می‌نمود به دنبال تعامل با دولت پنهان بود تا شاید به‌عنوان بخشی از نظام سیاسی و دولت پنهان شناخته شود. موقعیت این جماعت به‌عنوان تنها گروه سیاسی دارای تشکیلات منسجم و گسترده در آن دوران و برخی علامت‌های مثبت از جانب دولت پنهان به‌خصوص ارتش، این راهبرد را جذاب می‌نمود. با این وجود رویدادهای دوران ریاست‌جمهوری مرسى و کودتا بر ضد دولت منتخب مصر نشان داد که راهبرد تعاملی این جماعت پاسخی مناسب از جانب دولت پنهان دریافت نکرد و نگاه دولت پنهان به جماعت اخوان مبتنی به نگاه ابزاری برای تقویت موقعیت خود و در ادامه تلاش برای حذف کامل آن از سپهر سیاسی مصر بود. از جانب دیگر جماعت اخوان المسلمین به دلیل تحولات ساختاری و اجتماعی رخ داده بر آن در طول دهه‌های گذشته مانع از این می‌شد که این جماعت توانایی اتخاذ رویکردهای جایگزین داشته باشد و از این رو عملاً مسیر تعامل یک سویه با دولت پنهان را ادامه داد. هم‌افزایی توطئه‌های دولت پنهان و وضعیت اقتصادی بغرنج مصر نیز منجر به نارضایتی عمومی و عدم قبول آن به‌عنوان عضوی از ساختار سیاسی شد و یکی از عوامل مهمی بود که در نهایت منجر به از بین رفتن دستاوردهای بزرگ این جماعت شد که به‌طور تدریجی در دهه‌های قبل انباشته شده بود. علاوه بر این، رویکرد منفعلانه جماعت در دوران پساکودتا نیز در حقیقت منجر به تداوم شکست‌ها و گسست‌ها در درون این جماعت، کاهش بیش از پیش سرمایه اجتماعی آن و همچنین افزایش شکاف میان نیروهای سیاسی و اجتماعی در مصر شد.

فهرست منابع

منابع عربی

کتاب

۱- تمام، حسام (۲۰۱۰)، تحولات الإخوان المسلمین: تفکک الايديولوجيا و نهاية التنظيم، قاهره، دار المدبولی.

- ۲- دن، میتشل (۲۰۱۲)، المشاركة لا المغالبة: الحركات الإسلامية والسياسة في العالم العربي، ترجمه سعد محيو، قاهره، الشبكة العربيه للابحاث و النشر.
- ۳- شلاطه، احمد زغلول (۲۰۱۶)، الدعوة السلفية السكندرية: مسارات التنظيم و مآلات السياسة، بيروت، مركز دراسات الوحدة العربيه.
- ۴- العوضي، هشام (۲۰۰۹)، الصراع على الشرعية: الإخوان المسلمون و مبارك (۲۰۰۷-۱۹۸۲)، بيروت، مركز دراسات الوحدة العربيه.
- ۵- فهمي، شيرين محمد (۲۰۲۰)، إخوان مصر بين الصعود والهبوط ۲۰۱۱-۲۰۱۲، القاهرة، العربي للتوزيع والنشر.

مقاله

- ۱- العناني، خليل (۲۰۱۸)، «مواطنون أم ذميون؟ موقف جماعة الإخوان المسلمين من الحقوق السياسية للأقباط في مصر»، مجله السياسات العربيه، عدد ۳۵، نوفمبر ۲۰۱۸، ص ۱۴-۲۵.
- ۲- فتحی، یاسر (۲۰۱۹)، «الإخوان المسلمین و ثورة يناير: الجزء الأول»، درسه سياسات، المعهد المصری للدراسات، ۱۰ سبتمبر ۲۰۱۹، استانبول.
- ۳- فتحی، یاسر (۲۰۱۹)، «الإخوان المسلمین و ثورة يناير: الجزء الثاني»، درسه سياسات، المعهد المصری للدراسات، ۱۱ سبتمبر ۲۰۱۹، استانبول.

پایان نامه

- ۱- عبادي، جمال رفيق عوض (۲۰۱۶)، «تجربة الإخوان المسلمين في حكم مصر بعد ثورة ۲۵ من يناير و أثرها على الحياة السياسية في مصر»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی و توسعه سیاسی، دانشگاه ملی نجاح، نابلس، فلسطین.
- ۲- عبدالله، هند محمد حسن الاحمد (۲۰۱۶)، «الاخوان المسلمون و ثورة ۲۵ يناير المصرية: دراسة في اسباب الصعود و الهبوط (۲۰۱۱-۲۰۱۳)»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل، دانشگاه خارطوم، خارطوم، سودان.

وبسایت

- ۱- بی نا، تنظیم قوی وایدیولوجیا ضعیفه: مسارات الإخوان في السجون المصرية بعد ۳۰ يونيو، مبادره الاصلاح العربي، ۲۹ ابریل ۲۰۱۹، تاریخ دریافت: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱: <https://bit.ly/2XJWagp>
- ۲- بیان من الإخوان المسلمین بخصوص فعاليات الجمعة ۲۹ يوليو ۲۰۱۱م، وبسایت اخوان اون لاین، ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۱، تاریخ دریافت ۵ شهریور ۱۳۹۹: <https://www.ikhwanonline.com/article/88234>
- ۳- جمال، وائل، الرأسمال الضائع: التحول النيوليبرالي لجماعة الإخوان المسلمین في مصر، مرکز مالکوم کیر- کارنیگی للشرق الأوسط، ۱۸ فوریه ۲۰۱۹، تاریخ دریافت، ۱۳ شهریور ۱۴۰۱: <https://carnegie-mec.org/2019/02/18/ar-pub-78385>
- ۴- الجيش المصری يعزل الرئيس محمد مرسى، بى بى سى عربی، ۴ ژوئیه ۲۰۱۳، تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۳۹۹: https://www.bbc.com/arabic/middleeast/2013/07/130703_army_ousts_morsi
- ۵- حركة تمرد، مرکز مالکوم کیر-کارنیگی للشرق الأوسط، ۱۹ اوت ۲۰۱۳، تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۳۹۹: <https://carnegie-mec.org/2013/08/19/ar-pub-54973>
- ۶- حسنین، جهاد، تشريح الدولة العميقة في مصر: السمات و الجذور و الأدوات، مرکز المسار للدراسات الانسانية، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۹، تاریخ دریافت: ۵ مهر ۱۴۰۰: <https://bit.ly/3vevwiT>
- ۷- دن، میتشل و حمزوى، عمرو، الأحزاب السياسية العلمانية في مصر: تنازع من أجل الهوية والاستقلال، مرکز مالکوم کیر-کارنیگی للشرق الأوسط، ۳۱ مارس ۲۰۱۷، تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۴۰۰: <https://carnegie-mec.org/publications/68596>
- ۸- رضوان، سمير، الاقتصاد المصری: هل سينتظر المعجزة؟، مرکز مالکوم کیر-کارنیگی للشرق الأوسط، ۷ نوامبر ۲۰۱۲، تاریخ دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۰: <https://carnegie-mec.org/2012/11/07/ar-pub-49990>
- ۹- سرحان، همام، الفوز للإخوان و الأغلبية للوطنی، وبسایت سوئیس اینفو، ۱ دسامبر ۲۰۰۵، تاریخ دریافت: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰: <https://bit.ly/3veguJS>

- ۱۰- سعدالدین، محمود، نشر التشکیل النهائي للجنة تعديل الدستور الجديدة، روزنامه اليوم السابع، ۱۵ فوریه ۲۰۱۱، تاریخ دریافت: ۱۵ مهر ۱۳۹۹ <https://bit.ly/3FTilZL>
- ۱۱- عاشور، محمد، العریان: سجلت كلمه ليله ۲۵ يناير تدعو الإخوان للمشاركة في التظاهرات، روزنامه اینترنتی الوطن، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۳، تاریخ دریافت: ۵ مرداد ۱۴۰۱: <https://www.elwatannews.com/news/details/119954>
- ۱۲- فهمی، جورج، الصراع على قيادة جماعة الإخوان المسلمين في مصر، مركز مالکوم کیر-کارنیگی للشرق الأوسط، ۱۴ یولیو ۲۰۱۵، تاریخ دریافت: ۲۰ شهریور ۱۴۰۰: <https://carnegie-mec.org/2015/07/14/ar-pub-60720>
- ۱۳- المحكمة الدستورية تحل مجلس الشعب وتقضى بأحقية شفيق بخوض انتخابات الرئاسة، فرانس ۲۴ عربی، ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲، تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۳۹۹: <https://bit.ly/3Vj8TEen>
- ۱۴- مرسى يلغى الإعلان الدستورى الذى أثار احتجاجات ويبقى الاستفتاء على الدستور فى موعده، وبسایت الحره، ۹ دسامبر ۲۰۱۲، تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۳۹۹: <https://arbne.ws/3vjAY3P>
- ۱۵- من هو محمد كمال القيادى بجماعة الإخوان المسلمين الذى قتلته الشرطة المصرية؟، بی بی سی عربی، ۴ اکتبر ۲۰۱۶، تاریخ دریافت: ۱۵ دى ۱۴۰۰: <https://bbc.in/3VjvNvC>
- ۱۶- منیر، احمد، «الإخوان» تشارك فى الحوار.. وتطرح ۸ مطالب منها «التنحي» وإلغاء «الطوارئ» وحل البرلمان، روزنامه المصرى اليوم، ۷ فوریه ۲۰۱۱، تاریخ دریافت: ۱۲ شهریور ۱۴۰۰: <https://www.almasryalyoum.com/news/details/1834109>
- ۱۷- وبسایت رسمی سازمان اطلاع رسانی دولت مصر، بیان تنحي مبارك عن الحكم، بی تا، تاریخ دریافت: ۵ تیرماه ۱۳۹۹: <https://www.sis.gov.eg/Newvr/egyptionrevoution/julythree.html>

منابع انگلیسی

کتاب

- ۱- Tonsy, Sara (2022). The Egyptian Army and the Muslim Brotherhood: Contemporary Political Power Dynamics, New York, Routledge.

مقاله

- ۱- Abdelgawad, D. S., & Maged, S. (2022). Not Anymore in Politics: Theorising the Young Egyptian Muslim Brothers' Political Disengagement in the aftermath of the 2013 Military Coup, Middle East Law and Governance (published online ahead of print 2022). doi: <https://doi.org/10.1163/18763375-15020001>
- ۲- Al-Anani, Khalil (2020). Devout Neoliberalism?! Explaining Egypt's Muslim Brotherhood's Socio-economic Perspective and Policies, Doha Institute for Graduate Studies, Politics and Religion, page 1 of 20.
- ۳- El-Sharif, Ashraf (2014). THE EGYPTIAN MUSLIM BROTHERHOOD'S FAILURES: Part 1 of a series on political Islam in Egypt, Carnegie Endowment for International Peace, 1 July 2014. Stable URL: <http://www.jstor.com/stable/resrep12812>
- ۴- Roll, Stephan (2012). The Military and Muslim Brotherhood: Will a Power-sharing Agreement Be Reached in Egypt? Berlin, German Institute for International and Security Affairs.

پایان نامه

- ۱- Kridi, Esen (2011). Between Movement and Party: Islamic Political Party Formation in Morocco, Turkey and Jordan, Dissertation, the faculty of the graduate school, University of Minnesota.